

فشار آمریکا بر پاکستان و آینده گروه‌های بنیادگرا

سرمقاله

دولت و فرصت خلاء رهبری در طالبان

محمد رضا هویدا

طالبان با انتخاب رهبر جدیدشان به مرگ ملا اختر منصور اعتراف کرده اند. رهبران طالبان معمولاً به سادگی انتخاب می شوند ولی برای تثبیت موقعیت شان در میان طالبان روند طولانی و گاه خونینی را طی می کنند. طالبان در تجمعی در یکی از مناطق پاکستان به رهبری ملا حبیب الله رای داده اند و ملا یعقوب و حقانی را نیز به عنوان معاونان او انتخاب کرده اند. طالبان در سالیهای اخیر با از دست دادن رهبران شان شکست های نسبی خورده اند، اما آنها به راحتی با این مسئله کنار آمده اند و توانسته اند باری دیگر صفوف خود را منسجم سازند. مرگ ملا عمر و مخفی نگه داشتن آن برای دو سال این حدس و گمان را تقویت کرد که طالبان بیش از آنکه افغانی باشند، پروژه ای بیرونی و در خدمت منافع بیرون از کشور هستند.

اما با همه اینها اگر کشتن ملا منصور به معنای تشدید جنگ علیه طالبان باشد، بنا بر این کار بر رهبر جدید طالبان سخت خواهد بود و او مجبور است خود را برای یک دوره سخت و سنگین آماده سازد. تغییر استراتژی آمریکا در قبال طالبان اگر همراه با عمل باشد، و در عین حال موقتی و مقطعی نباشد، طالبان را در موقعیت سختی قرار خواهد داد. همین امریکا بود که باعث سقوط طالبان در افغانستان شد و القاعده را از کشور بیرون نمود. رهبران طالبان باید در کنار جنگ به صلح با دولت افغانستان نیز باندیشند. در صورتی که قتل ملا منصور به خاطر تندرویهایش در مقابل پروسه صلح بوده باشد، فرد بعدی باید به این موضوع توجه داشته باشد که صلح برای امریکا در حال حاضر یک اولویت است و باید بدان توجه داشته باشند.

حکومت افغانستان در قبال تحولاتی که در گروه طالبان به وجود آمده است، پیشتر به بند و نصیحت و دعوت روی آورده است. حکومت از طالبان می خواهد که برای یک دور ساز یک میز مذاکره بنشینند و گرنه با سرنوشته منصور مواجه خواهند شد. این پند و نصیحت ها زمانی می تواند که برای طالبان و حتا مردم افغانستان قابل قبول و مورد اعتنا باشد که همراه با عمل باشد. در حالی که اگر هوایمی بدون سرنشین امریکایی به موثر ملا منصر حمله نمی کرد، بعید به نظر می رسد که دولت افغانستان می توانست تهدیدی جدی علیه ملا منصور باشد.

دولت افغانستان تا هنوز به معرفی مسئولان ارگان های نظامی و امنیتی به ولسی جرگه به منظور کسب رای اعتماد اقدام نکرده است. دولت افغانستان برنامه ای جدی برای رفع تهدید علیه ولایت هایی مانند کندز، ارزگان و بغلان ندارد. در این ولایت ها طالبان به یک قدرت مسلط بدل شده اند. در چنین حالتی هر چند ممکن است که با مرگ ملا اختر منصور ضربه ای کاری به گروه طالبان وارد شده است ولی طالبان با انتخاب سریع رهبر جدیدشان نشان دادند که طالبان به حال خود باقی هستند و می توانند با رهبری جدید کار خود را ادامه دهند.

دعوت های صلح از طالبان در نبود برنامه جامع صلح و جنگ، بی برنامهگی دولت برای مقابله با یک وضعیت جدید در سیاست کشور را نشان می دهد. اگر دولت نتواند از مرگ رهبر طالبان به خوبی بهره برداری کند و تنها به دعوت های صلح بسنده نماید، و تکانی به خود ندهد، بی برنامهگی و ضعف خود را به نمایش گذاشته است.

روز شنبه، ملا اختر منصور در خاک پاکستان هدف پمپادهای وزارت دفاع آمریکا، پنتاگون قرار گرفت. گروه طالبان، کشته شدن ملا اختر منصور، رهبر گروه طالبان را تأیید نموده است. این گروه، رهبر جدید همراه با معاونین شان را معرفی نموده است. هیبت الله آخندزاده، به عنوان رهبر جدید گروه طالبان انتخاب شده است. سراج الدین حقانی و ملا یعقوب پسر ملا محمد عمر معاونین او انتخاب شده اند. کشته شدن رهبر گروه طالبان در خاک پاکستان برای این کشور بی درد سر نبوده است. در تازه ترین مورد، مجلس سنای آمریکا کمک ۳۰۰ میلیون دلاری این کشور به پاکستان را منوط و مشروط به اقدام نظامی این کشور علیه شبکه حقانی نموده است. قبل از این، باب کورکر، سناتور جمهوری خواه از ایالت تنسی که مسئول کمیته روابط خارجی سنای ایالات متحده آمریکا است مانع استفاده کمک آمریکا برای خرید هشت طیاره جنگی F-۱۶ برای پاکستان شد. او بیان داشت که پاکستان می تواند بدون کمک مالی ایالات متحده آمریکا طیاره جنگی را با قیمت ۷۰۰ میلیون دلار خریداری نماید نه با قیمت ۳۶۰ میلیون دلار. او گفته است که شبکه حقانی دشمن شماره یک ایالات متحده آمریکا و افغانستان به شمار می رود و در صورت کمک به پاکستان با افزایش خواهد داد که این کشور عملیات را بالای شبکه حقانی انجام دهد. آیا قطع کمکها و مشروط نمودن کمکها به صورت جدی ادامه خواهد یافت؟ آیا پاکستان اقدامات ایالات متحده آمریکا را جدی خواهد گرفت؟

شبکه حقانی، یکی گروه های تندرو و بنیادگرا بوده است که پیچیده ترین حملات را علیه نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی در افغانستان انجام داده است. به همین خاطر، برای ایالات متحده آمریکا این شبکه به عنوان دشمن شماره یک محسوب می شود. بعد از آمدن ایالات متحده آمریکا در افغانستان شبکه و گروهی به اندازه شبکه حقانی قادر

رحیم حمیدی



آمریکا نمی تواند پاکستان را بیش از اندازه تحت فشار قرار دهد. زیرا، آمریکا ترس از آن دارد که این کشور دانش هسته ای و سلاح هسته ای خود را در اختیار گروه های تروریستی قرار ندهد. بنابراین، آمریکا فشار همراه با حفظ روابط دیپلماتیک خود را ادامه خواهد داد.

با وجود آنکه آمریکا نمی تواند فشار بیش از اندازه بر پاکستان وارد نماید اما، درک روابط پاکستان با گروه های بنیادگرا گام های موثر در درک ناامنی در منطقه است. درک ریشه های ناامنی و رشد بنیادگرایی می تواند آمریکا را کمک نماید که اقدامات بنیادی تر روی دست گیرد. به احتمال زیاد، در آینده حل مسئله کشمیر میان هند و پاکستان و حل مشکل خط دوبرند میان افغانستان و پاکستان جزء برنامه های این کشور قرار خواهد گرفت. زیرا، درک روابط پاکستان با گروه های بنیادگرا این کشور را به مشکلات بنیادی میان کشورهای منطقه رهنمون خواهد کرد. با وجود به اینکه جنگ افغانستان برای ایالات متحده آمریکا طولانی شده است و اکنون مسئله برد و باخت در این جنگ نیز مطرح می شود، ایالات متحده آمریکا ناگزیر است که مسائل مذکور را جزء برنامه خود برای آوردن ثبات در منطقه در نظر بگیرد.

بنابراین، ایالات متحده آمریکا فشارهای خود را بر پاکستان افزایش خواهد داد. اما، فشارها به آن پیمانته نخواهد بود که اقتصاد پاکستان را فلج نماید. زیرا، فشارهای پاکستان بر پاکستان منجر به رشد بیشتر بنیادگراها خواهد شد. با این حال، برای ثبات منطقه ایالات متحده آمریکا در نهایت مجبور خواهد شد که انگشت روی مشکلات مرزی کشورهای منطقه بگذارد. زیرا، بدون حل شدن مشکلات مرزی میان کشورهای منطقه امکان رهایی از جنگ افغانستان برای ایالات متحده آمریکا متصور نیست. تا زمانی که این مشکلات حل نگردد پاکستان نیز به صورت تمام عیار روابط خود را با گروه های بنیادگرا قطع نخواهد کرد و آن ها را به صورت تمام عیار سرکوب نخواهد کرد.

در اختیار شبکه القاعده قرار داده است. در عین حال، برخی از این اندیشمندان هسته ای پاکستان بر این باور بود که برای رهایی جهان اسلام لازم است که تمام این کشورها و گروه های بنیادگرا مجهز به سلاح هسته ای شود. این تهدید هم اکنون نیز وجود دارد. زیرا، گرایش های جدی بنیادگرایی در درون ارتش و سازمان استخباراتی پاکستان وجود دارد. به همین خاطر، نیز آمریکا در صدد آن است تا بر این کشور فشار بیشتر وارد نموده تا این کشور نسبت خود را با بنیادگراها مشخص و تعریف نماید.

بر اساس گفته خلیلزاد، سفیر پیشین ایالات متحده آمریکا در افغانستان: در سال های نخست حضور آمریکا در افغانستان ایده های مبنی بر وجود پناهگاهها و پایگاه های آموزشی گروه طالبان و دیگر گروه های تروریستی در خاک پاکستان وجود نداشت اما، اکنون این ایده تقویت شده است که پناهگاه های گروه های تروریستی در خاک پاکستان وجود دارد. گروه های تروریستی در خاک پاکستان در صدد آن هستند که پناهگاه های گروه های تروریستی را راه اندازی نموده باشند که به گروه های بنیادگرا کمک های بشردوستانه می نمود. برای آمریکا این تهدید بود. آمریکا در آن زمان بر این باور بود که این افراد دانش هسته ای خود را

حمله بر نیروهای بین المللی نبوده است. به دیگر سخن، شبکه حقانی بیش از هر گروه دیگر خون نیروهای امنیتی افغانستان و نیروهای بین المللی را ریخته است. به همین خاطر، ایالات متحده آمریکا اهمیت زیادی به سرکوب شبکه حقانی از سوی پاکستان دارد.

زمانی که ملا اختر منصور به عنوان رهبر گروه طالبان انتخاب شد زمزمه های وجود داشت که پاکستان شبکه حقانی را وادار به پیوستن به گروه طالبان نموده است. در عین حال، بر گروه طالبان فشار وارد نموده است که سراج الدین حقانی، رئیس شبکه حقانی را به عنوان معاون ملا منصور انتخاب نماید. در دگرگونی جدید در رهبری گروه طالبان نیز، سراج الدین حقانی دوباره به عنوان معاون رهبر جدید گروه طالبان انتخاب شده است.

این اولین بار نیست که ایالات متحده آمریکا بر پاکستان به منظور اقدام نظامی در پاکستان فشار وارد می کند. زمانی که بن لادن، رهبر شبکه القاعده در آیت آباد پاکستان کشته شد فشارها بر پاکستان افزایش یافت. با این حال، پاکستان تا کنون اقدامی علیه گروه های که علیه نیروهای امنیتی و نیروهای بین المللی در افغانستان

ارتباط بیکاری و وضعیت تحصیلات عالی کشور

سید نجیب الله موسوی فراز



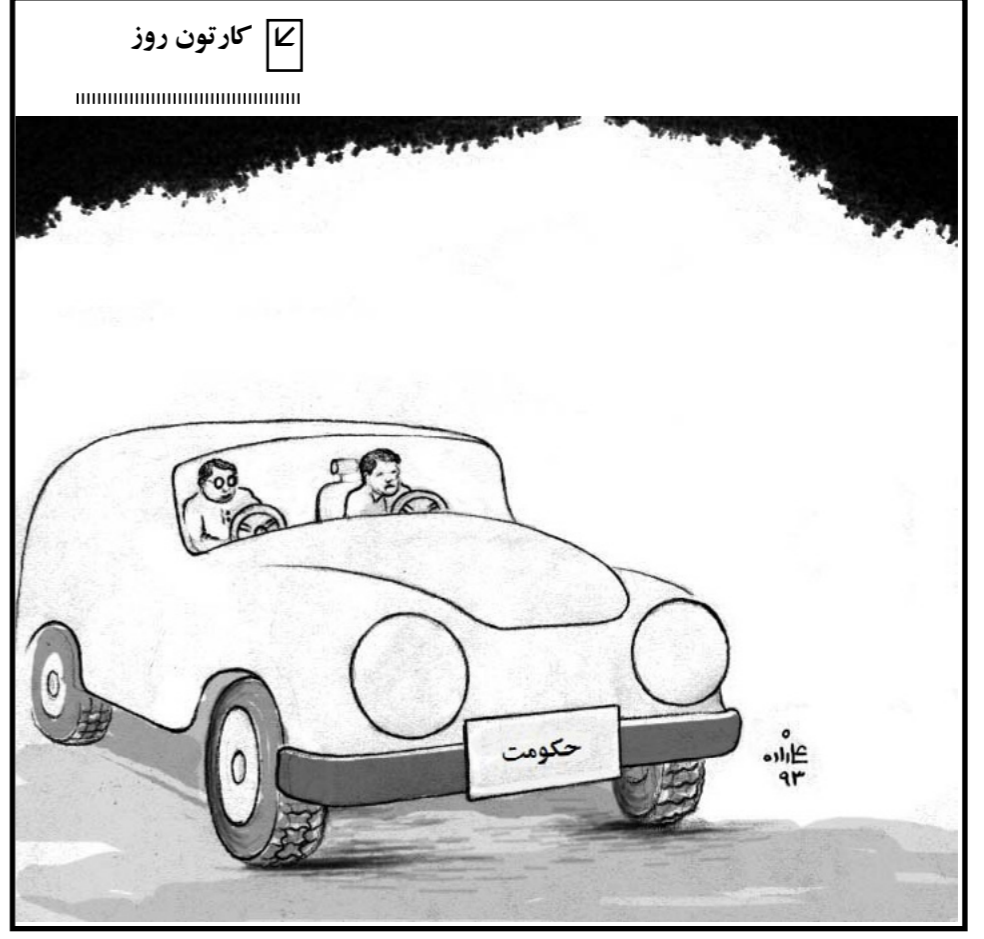
رسیده است، خود بیانگر فراغت همین تعداد محصل از بستر تحصیلی دانشگاه در مدت چهار الی هفت سال آینده است. لذا، در یک محاسبه کلی از وضعیت تحصیلات عالی در دو ساله که بیان شد، متوجه می شویم که در آینده ای نه چندان دور یک قشر عظیم افراد تحصیل کرده و بیکار وارد جامعه خواهند شد. البته این آمار فقط برون داد و تولید نیروی بیکار از سهم دانشگاه های دولتی کشور است. مسئله به این جا نیز ختم نمی شود زیرا فقط در کابل بیشتر از هشتاد دانشگاه و تحصیلات عالی خصوصی و نیمه عالی تأسیس و با اخذ جواز فعالیت از وزارت تحصیلات عالی در رقابت و کار هستند. سهم دانشگاه های خصوصی زبیرا اگر میزان خروجی مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی را فقط به طور اوسط و حداقلی از روی پنجاه درصد در نظر بگیریم سالیانه ده ها هزار نفر از فارغ التحصیل بیرون خواهند داد. لذا این معضل به شکل اژدهایی خفته در خواب زمستانی است که اگر روزی بیدار شود قابل مهار نخواهد شد. امروز این بحران به شکلی از اشکال محسوس است. شاید سربازگیری افراط گرایان از میان جوانان و یا مهاجرت خارج دسته جمعی جوانان تحصیل کرده به خارج از کشور، گویای این مطلب و یا مقدمه آغاز همین بحران باشد. نتیجتاً دولت باید برای مهار این بحران بنیان برانداز از طریق تأسیس و اعمار زیر بناهای اقتصادی و به کارگیری منابع و معادن طبیعی کشور از یک طرف قدرت تولید اشتغال را بلند ببرد و از طرف دیگر بجای افزایش تعداد مؤسسات تحصیلات عالی درصدد ایجاد مراکز و دانشگاه های صنعتی و مسلکی و مورد نیاز جدی جامعه با توجه به افزایش کار و تولید در جامعه باشد، تا نهایتاً منجر به تولید یک نیروی کار حرفه ای و متخصص در جامعه شود.

نتیجه بگیریم که چگونه برنامه آینده خود را بر اساس آن استوار سازیم. همان طوری که اگر به دهه هشتاد مخصوصاً اواسط دهه هشتاد برگردیم نه به این اندازه متقاضی این نیرو اضافه می شود. با این محاسبه بنا به گزارش ها، در سال ۱۳۹۲ تعداد ۲۲۶۹۸۷ هزار نفر در امتحان کانونکورت شرکت کردند و حدود ۱۲۰۰۰ نفر در دانشگاه های دولتی در مقاطع عالی و نیمه عالی و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی راه پیدا کردند و بیش از ۱۰۰۰۰ نفر دیگر بی نتیجه و ناکام مانده اند و نیز با استناد به گزارشهای منتشره در مورد کانونکورت سال ۱۳۹۴، در این سال ۲۰۱۲۳۴ نفر در آزمون کانونکورت شرکت نموده و تقریباً در حدود ۱۵۰۰۰ نفر موفق به ورود در دانشگاه های دولتی و تحصیلات عالی خصوصی گردیدند است و بیش از ۵۰۰۰ نفر دیگر بدون نتیجه مانده است. با تأمل در این آمار، می توانیم

بعد از حمله یازدهم سپتامبر جایگاه و اهمیت افغانستان در نظام بین الملل نه حاشیه ای و یا فراموش شده بلکه در محراق توجه سیاست های بین المللی و در صدر موضوع سیاستگذاری قدرت های بزرگ و معیار سیاست ورزی سیاست مداران جهان بوده و در سیاست خارجی کشورها، جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داد.

کمک های سیل آسا و بلاعوض جامعه جهانی جهت توسعه و بازسازی نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نهادینه شدن دموکراسی و حقوق بشر، تحت عناوین مختلف وارد افغانستان شد، اما شوربختانه نخبگان سیاسی حاکم و متصدیان قدرت و زعامت نظام سیاسی افغانستان از این فرصت طلایی استفاده بهینه نتوانستند. این غفلت ها و اشتباه ها باعث شده تا بعد از سپری شدن یک و نیم دهه از حضور جامعه جهانی در افغانستان، هنوز هیچ گام عملی و مفید بسوی ثبات سیاسی، تأمین امنیت، رفاه اجتماعی، مبارزه با فساد و اختلاس های کلان، زمین خواری و مافیای مواد مخدر و پول شویی، تلاشی برای آغاز کارهای عملی و بنیادی برای استخراج معادن و استفاده از توانایی های بالفعل و بالقوه ملی، برداشته نشود. با وجود این همه ظرفیت و توجه جامعه جهانی هنوز حتی در کابل سرک های استاندرد و مطابق با معیارهای شهری نداریم و از موجودیت کثافات و عدم کانالیزسیون شهری خصوصاً در موسم بارش های فصلی، مردم پایتخت و سایر کلان شهرهای کشور در رنج و مشقت هستند. با وجود این همه مشکلات در نظام اداری و تشکیلاتی افغانستان، مشکلی که سرانجام بحران آفرین می شود عدم توجه دولت به ساز و کارهای بنیادی اشتغال زایی برای قشر جوان و نیروی تحصیل یافته از دانشگاه های کشور می باشد، زیرا از یک

افغانستان با عبور از سه دهه جنگ و بحران های طاقت فرسا که محصول آن ویرانی تمام سیستم ها و زیربنای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (بالاخره بعد از حمله تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به برجهای دولتی نیویارک)، وارد مرحله جدید سیاسی، اقتصادی و توسعه ای مبتنی بر توجه و حمایت همه جانبه جامعه جهانی شد.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper